



با عشق و ارادت تقدیم به یکتا خالق زیبای هستی که یادش
هر خاطری را ذرافشان می‌کند.

امید در آن روز که مرا هیچ یار و یآوری نیست یاریم فرمایی.
و تقدیم به یکتا صبور عاشق، پدرم و یکتا محبوب عشق‌ورزی،
مادرم.

سپاسگزارم از بزرگان عرصه ادب و هنر که با اندیشه پاکشان
آثار زیبایی آفریدند و ما را در گردآوری این مجموعه‌ها یاری
رساندند.

و با قدرشناسی از نازنینان فرشته صفتی که با تهام وجود به
یاری ما شتافتند و در شکل‌گیری این پنج مجموعه یاران
صمیمی ما بودند و روح همیشه سبز مسافر بهار.
ملکا: مرا دریاب که به امیدت سیاه نوشتم تا سپید بمانم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۳	«وفای شمع»	۷	«مقدمه»
۱۰۷	«بی تو بر نمی شود»	۱۱	«تنها ترین»
۱۱۱	«امید بوته»	۱۵	«گفت و مگوی ماه»
۱۱۵	«دل شکسته»	۱۹	«روزیای هبار»
۱۱۹	«پادشاه خوبان»	۲۳	«شیون آرزو»
۱۲۳	«شمع»	۲۷	«همه رفتند»
۱۲۷	«به امید دیدار»	۳۱	«پاییز سیاه»
۱۳۱	«درخت، نه هیمة»	۳۵	«دلبردگی»
۱۳۵	«دلنگ»	۳۹	«آفتاب پرست»
۱۳۹	«حسرت همیشگی»	۴۳	«آه سحر»
۱۴۳	«گلایه»	۴۷	«روز وداع یاران»
۱۴۷	«راه زندگانی»	۵۱	«رنج»
۱۵۱	«صبح پشیمانی»	۵۵	«انفلس خوش»
۱۵۵	«کوی جانان»	۵۹	«خواب، بیدار»
۱۵۹	«رهايي»	۶۳	«شناختی»
۱۶۳	«شناخت»	۶۷	«اگر مانده بودی»
۱۶۷	«شادم که جای گریه دارم»	۷۱	«نخستین معلم»
۱۷۱	«من لایق نبودم»	۷۵	«قاصدک»
۱۷۹	«نخستین نگاه»	۷۹	«ترس شب تار»
۱۸۷	«بی تو»	۸۳	«شب جدایی»
۱۹۵	«بهترین بهترین من»	۸۷	«دیوانه دل»
۲۰۳	«یقین دارم»	۹۱	«آرزوی ابدی»
۲۰۹	«عاقبت به خیر»	۹۵	«شب ها که می سوخت»
۲۲۳	«هو»	۹۹	«دریچه ها»

«مقدمه»

سلام و صد سلام:

درود به شما عزیزان، به شما نازنینان و شما گرامیان که حامیان واقعی ما در خلق این پنج مجموعه ادبی و هنری بوده‌اید. ما نیز به حکم ادب و احترام و از این راه فرهنگی، دست یکایک شما ارجمندان را با عشق و صمیمیت می‌فشاریم.

زندگی سراسر وصال است و فراق، باوفایی است و بی وفایی، سپید است و سیاه با گذشت از این فراز و نشیب‌ها و با صبر و امید می‌توان از دل زشتی‌ها به زیبایی رسید.
بزرگی می‌گوید:

«این هم از یک عمر مستی کردم
سالها شبنم پرستی کردم
ای دلم زهر جدایی را بخور
چوب عمری باوفایی را بخور
ای دلم دیدی که مات کرد و رفت
خنده‌ای بر خاورات کرد و رفت
من که گفتم این بهار افسردنیست
من که گفتم این پرستو رفتنیست
آه عجب کاری به دستم داد دل
هم شکست و هم شکستم داد دل...»

آری باید از اتفاقات زندگی درسها گرفت و با امید مابقی زندگی را ساخت و همیشه با امید وصال زیست، چرا که امید، آخرین چیز است که می‌میرد.